

زن در جهان تشیع

<?xml encoding="UTF-8?">

گفتگو با خانم مرضیه هاشمی

در فضایی پر از عطر نیایش و بوی سعی‌ا صفا و مروه وارد می شویم؛

«سلام علیکم، حجکم مقبول و سعیکم مشکور»

برق شوق دیدار یار و غم دوری از قبه خضراء و طلب ولایت آن یگانه، هنوز در چشمانش موج می زند. در عین خستگی سفر با رویی گشاده به استقبال می آید.

یاس: با تشکر از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید، ضمن معرفی خود، انگیزه ای که موجب شد تا نسبت به اسلام گرایش پیدا کنید را توضیح دهید.

من مرضیه هاشمی، اهل آمریکا هستم. نزدیک 21 سال است که مسلمان شده ام. در آن سال ها دانشجوی رشته رادیو - تلویزیون بودم (Broadcasting) در این گونه رشته ها در آمریکا رسم بر این است که شاگردان ممتاز را در سال های آخر برای کار در شبکه های مختلف رسانه ها دعوت به همکاری می کنند و به استخدام در می آورند. من نیز جزو این گروه بودم که در یکی از شبکه های تلویزیونی مشغول به کار شدم. آنها هم از کارم رضایت داشتند. در سال 1979 با شنیدن اخبار و اطلاعاتی در مورد انقلاب اسلامی ایران تحت تاثیر شخصیت منحصر به فرد رهبر انقلاب، امام خمینی قدس سره قرار گرفتم و شروع به مطالعه در زمینه اسلام و زندگی بزرگان آن چه اهل سنت و چه ائمه ی اطهار علیهم السلام نمودم و اسلام را به عنوان دین خود برگزیدم. همین امر موجب شد که در محل کار مانند سابق با من رفتار نشود. البته صریحا گفته نمی شد که به خاطر حجاب است ولی کاملا مشخصی بود در جایی که ادعای آزادی مذهب را دارند با کسی که مسلمان شده است تبعیض قایل می شوند و او را برای استخدام نمی پذیرند. قاطعانه می توانم بگویم که خداوند انقلاب اسلامی و رهبری آن را محور اصلی جذب من به اسلام قرار داد؛ زیرا در زمانی که مشغول به تحصیل در دانشگاه بودم و با علاقه فراوان سیاست را نیز دنبال می کردم انقلاب اسلامی ایران را مانند سایر جنبش های سیاسی در دنیا مورد مطالعه قرار دادم.

تمایز اصلی این انقلاب با سایر جنبش های جهان در رهبری آن بود. معمولا رهبران انقلاب ها جوان، یا شخصیت های نظامی و یا آلهایی بوده اند که برای کسب قدرت با مخالفین می جنگیدند، اما در ایران، رهبر انقلاب مردی سالخورده بود که به سادگی می زیست و از هیچ چیز در دنیا هراسی نداشت.

حضرت امام خمینی قدس سره واقعا توجه مرا به خود جلب کرده بود. بنابراین شروع به تحقیق و مطالعه درباره ایشان نمودم و به نقاط بسیار روشنی از وجود ایشان پی بردم. بنابراین انقلاب اسلامی برای من حرکتی پر مفهوم است. این انقلاب زندگی مرا متحول کرد، نوری بود که مرا از تاریکی رها نمود. و من همیشه شاکر خداوند برای هدایت، مدد و کمک در تغییر در مسیر زندگی خود هستم .

یاس: روند بحران های اخیر را در تغییراتی که در جامعه مسلمان جهان ایجاد کرده است چگونه می بینید؟
از شما تشکر می کنم که فرصتی فراهم نمودید تا برخی مسائل اساسی را مورد بررسی قرار دهیم، خصوصا که به تازگی از سفر ج بازگشته ام؛ جایی که سعی نمودم با مسلمانان سایر کشورها گفتگو نمایم. من سه سال پیش نیز به سفر عمره مشرف شده بودم، ولی امسال در بین مسلمانان، به خصوص مسلمانان مالزی و اندونزی گرایش های شدید ضد آمریکایی را دیدم که حاکی از افزایش شناخت مسلمانان نسبت به ریشه دردهایی است که به آن گرفتار هستند. احساس می کنم که هوشیاری تازه ای در امت اسلامی در حال شکل گیری است و یکی از علل این امر را حادثه 11 سپتامبر می دانم. پس از این حادثه مسلمانان با یکدیگر ارتباط منسجم تری گرفتند؛ زیرا به همه آنها برچسب تروریست زده شد و توهین های بسیاری به آنها کردند. بسیاری از مسلمانان در کشورهای غربی زمانیکه به انجام کارهای روزمره شان می پرداختند مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.

بنابراین بسیاری از مسلمانان که قبلا تصور می کردند به خاطر موقعیت شغلی یا مالی یا مسایل دیگر در کشورهای غربی مصونیت دارند، به سرعت دریافتند که موقعیت و پست های اجتماعی آنان اهمیت چندانی نداشته و مسئله ی اصلی این است که آنها گرایش به اسلام دارند. من با بسیاری از مسلمان، خصوصا از اروپا و کشورهای غربی صحبت کردم و آنها نیز بر این مسئله تاکید کردند. اگر چه بسیاری از رسانه های گروهی در امریکا و انگلیس اظهار می دارند که همه مسلمان تروریست نیستند، اما هنوز آزارها و صدمات نسبت به مسلمین ادامه دارد.

دستگیری بی دلیل افراد، بازجویی از کسانی که از کشورهای اسلامی هستند و یا به خاطر این که نام اسلامی دارند، ندادن اجازه پرواز به آنان، فقط نمونه هایی از مشکلاتی است که مسلمانان در کشورهای غربی دارند. البته بسیاری از مسلمانان در کشورهای اسلامی نیز تهدید به اقدامات نظامی شده اند. بنابراین همه ی مسلمانان به نوعی مورد حمله قرار گرفته اند و این جریان خود به عنوان جرقه ای در ایجاد همدلی بین آنان مؤثر است، که امسال بنده شاهد این همدلی در مکه بودم.

یاس: این روزها شاهد فشارهای تبلیغاتی و بزرگ نمایی برخی نقاط از سوی ائتلاف به اصطلاح ضدتروریستی در جهان هستیم. به عقیده جنابعالی چرا نکاتی را که هدف آن مخدوش کردن چهره اسلام است، بخصوص نگاه اسلام به زن بیشتر مورد تاکید قرار می گیرد؟

این روزها که افغانستان به مرکز جنگ غربی ها با تروریسم تبدیل شده است و زنان در دوران حکومت طالبان مورد ظلم قرار گرفتند، رسانه های غربی فرصت یافته اند که حجاب را به عنوان یک مسئله علیه آزادی زنان نشان داده و آن را عامل ظلم علیه زنان افغانی معرفی نمایند. در واقع آنچه که رسانه های غربی انجام می دهند توجه خاص به یک موضوع است، به گونه ای که در ذهن مخاطب یک موضوع جزئی به موضوعات کلی تعمیم داده می شود. برای مثال رسانه های گروهی بر شرایط ظلم و ستم علیه زنان افغان تمرکز می کنند، ولی این حالت در ذهن خواننده تداعی می شود که همه ی زنان محجبه تحت ظلم و فشار هستند و تاکید می شود که کشف حجاب برای آزادی زنان امری بدیهی است و در واقع با یک تیر دو نشان می زنند. آنها نه تنها مسایل افغانستان را مورد توجه قرار می دهند، بلکه آن را مستقیما به دنیای اسلام ربط می دهند. به هر حال من احساس می کنم که همه ی مسلمانان نسبت به آنچه که رسانه های گروهی غربی در گذشته انجام می دادند، هوشیارتر شده اند.

من معتقدم که زنان مسلمان بیشتر و بیشتر نسبت به حقوق شان به عنوان یک مسلمان واقف شده و این

مسایل را با ادعای غربی ها در مورد تساوی حقوق و آزادی زنان مقایسه می نمایند. واقعه ی 11 سپتامبر نشان داد که به اصطلاح آزادی بیان و عقیده در آمریکا در طول تاریخ یک ادعای دروغین بوده است. زمانی که بسیاری از زنان به خاطر حجاب و یا مسایل دیگری که به خوبی در بین مسلمانان در حج امسال مشاهده کردم، این ذهنیت است که نقش رهبران کشورهای اسلامی در مورد امت اسلامی چیست؟ آیا آنها واقعا در پی احقاق حقوق مسلمانان هستند یا به سادگی بازیچه دست سران کشورهای غربی می شوند؟

یاس: جناب عالی بر اتحاد مسلمین در جهان تکیه دارید، ولی چگونه چنین عملی با توجه به در دست داشتن اطلاعات، قدرت و ثروت از سوی دول غربی امکان پذیر است؟

همان طور که می دانیم حج مرکزیت دنیای اسلامی است و بسیاری از مسلمانان دریافتند که چگونه نماز جمعه که در موسم حج در مکه برگزار گردید، می تواند به عنوان یک گردهمایی برای مسائل جهان اسلام مورد بهره برداری قرار گیرد. در زمان پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حج برای انجام مراسم مذهبی خاصی بوده، اما حضرت محمد صلی الله علیه و آله این مراسم را بهترین موقعیت برای بحث در مورد مسایل مسلمین و امت اسلامی قرار دادند. این مکان جایی است که همه مسلمین از سراسر دنیا در آن جمع می شوند؛ برای همین چرا ما نباید رهرو سنت پیامبر باشیم؟ چرا فقط باید به مسایل مذهبی حج توجه گردد، بدون این که به آن جنبه ی اجتماعی و سیاسی داده شود؟ فلسفه ی طواف و گشتن به دور خانه ی خدا چیست؟ آیا آن سمبلی از یکی شدن ما برای رسیدن به یک هدف و پرستش پروردگار نیست؟

آیا این به آن معنا نیست که اگر بخشی از امت اسلامی دچار مشکل شود همه ی امت تاثیرپذیر هستند؟ چگونه می توانیم در سال 2002 به مکه برویم بدون این که به اصطلاح سران کشورهای اسلامی به مسایلی که امروزه رو در روی جهان اسلام است بپردازند؟ آیا می توانیم بگوییم حج تاثیر گذاری انجام داده ایم در حالی که به مساله ی فلسطین اشاره ای نشود؟ آیا می توانیم بگوییم حج واقعی انجام داده ایم در حالی که 7 بار دور خانه خدا طواف، یا 7 بار سعی صفا و مروه کرده ایم و نماز خوانده ایم، اما از درد و رنج امت اسلامی صحبت نکرده ایم؟

این مراسم سمبلی از آزمایش الهی ابراهیم علیه السلام و رنج هاجر است، اما آیا این همه آن چیزی است که خداوند می خواهد که انجام دهیم؟ آیا هر سال به مکه می رویم تا به سادگی، رنج و آزمایش الهی مقاومت حضرت ابراهیم و هاجر را در برابر شیطان گرامی بداریم؟

اکنون ما باید در مقابل شیطان مقاومت کنیم و باید در برابر رنج و مشکلات مسلمانان هوشیار باشیم. هاجر در مقابل تشنگی پسرش ننشست و فقط به دعا مشغول نشد، بلکه اقدام کرد و با همه مشکلاتی که در پیش رو داشت فهمید که باید برای زنده نگاهداشتن فرزندش مبارزه کند، مقاوم باشد و جستجو نماید. آیا این سمبل آن نیست که امروز باید برای امت اسلام این گونه باشیم؟ آیا مفهومی عمیق تر در ورای مناسک حج نیست؟ آیا به ما مسلمانان تفهیم نمی کند که نمی توانیم بنشینیم و از دیگران برای حل مسائل جهان اسلامی انتظار داشته باشیم؟

امت اسلام پیرو مذهبی است که بر اساس صلح و احترام بنا شده است، اما همیشه این تصور را داریم که باید از خود دفاع کنیم. ما باید مانند حضرت ابراهیم و هاجر در مقابل آزمون الهی و سختی ها مبارزه کنیم و تا زمانی که در احقاق حقوق خود موفق نشده ایم از پای ننشینیم. ما نمی توانیم منتظر کمک دیگران و یا دست کشیدن از اهداف خود باشیم.

ولی متأسفانه به اصطلاح سران کشورهای اسلامی فقط می خواهند که مردم به جنبه ظاهری و سطحی حج بنشینند. آنها به مناسک حج می پردازند و به چیز دیگری توجه ندارند. این همان است که سال های سال اتفاق می افتد، اما به وضوح مشاهده می شود که بسیاری از مسلمانان در مورد نقش رهبران کشورهای اسلامی و هدف اصلی آنان هوشیار شده اند.

گروهی که فقط به دعا و نماز می پردازند هیچ تهدیدی محسوب نمی شوند، اما گروهی که در ضمن دعا و نماز، خواهان احترام و تساوی هستند مورد توجه قرار می گیرند. این همان چیزی است که کشورهای غربی و دست نشانده های شرقی آنان خواهان آن هستند که مسلمانان را فقط به نماز و دعا مشغول نمایند. امت اسلامی برای همین هوشیار شده اند و از آنجایی که بخشی از امت اسلامی در بند است ما هم آزاد نیستیم و همه با هم مسؤول هستیم تا با یکدیگر برای دستیابی به هدف نهایی تلاش کنیم.

البته دستیابی به آزادی کامل برای همه مستضعفین و محرومین، تا ظهور حضرت مهدی (عج) تحقق نمی یابد. ولی مسلمانان باید برای فراهم نمودن زمینه ی آمدن رهبر جهان کارهایی زیادی انجام دهند. مخصوصاً ما که شیعه هستیم باید مردم را از مسؤولیت هایشان در قبال امام زمان (عج) آگاه کنیم و این در مورد ما زنان شیعه صدق می کند و نقش مهمی را در این زمینه ایفا می کنیم.

یاس: به نظر شما مشکل امروز مسلمانان جهان چیست ؟

من فکر می کنم بزرگترین مساله ی جهان اسلام فقر دانش دینی است. اگر ما درک درستی از دین نداشته باشیم چگونه از آن پیروی کنیم. آموزش و درک حقیقی از اسلام بسیار مهم است و ما می توانیم به آن سطح دستیابی داشته باشیم، سپس برای ظهور حضرت مهدی (عج) آماده ایم. به عنوان زنان شیعه ما باید فعال باشیم. امروزه اطلاعات نادرست فراوانی راجع به اسلام وجود دارد که ما باید کاملاً مراقب باشیم تا بتوانیم حق را از باطل متمایز نماییم.

یاس: به عنوان آخرین سؤال شما رشد اسلام در غرب را چگونه پیش بینی می نمایید.

علی رغم تمامی تبلیغاتی که در غرب وجود دارد، گروههای مختلفی تمایل به پذیرش اسلام پیدا کرده اند، البته عده ای هم تحت تاثیر این تبلیغات هستند، ولی تعداد زیادی از روشنفکران و صاحبان اندیشه در غرب ابتدا برای آن که بدانند اسلام چیست و شاید برای یافتن چگونگی مبارزه با اسلام به مطالعه در مورد آیین مسلمانان در ایام مختلف تحقیق می کنند، ولی همین امر موجب گرایش و جذب آنان به اسلام شده است. در واقع تبلیغات رسانه ها ممکن است از یک سو باعث تنفر افراد عامی از مسلمانان شود، ولی از سوی دیگر به اشاعه دین اسلام در بین صاحبان فکر کمک می کند.

با توجه به خستگی سفر و کمبود وقت از شما برای این مصاحبه سپاسگزاریم.